

مدرس مبارزی مقاوم و مکتبی

سیاه و روزگار زور و تزویر قرار دارد که ناچار است برای گسترش دامنه مبارزات مکتبی خویش از یکسو کمر همت را برای بیداری مردم محکم ببندد و از دیگر سو با هشیاری تمام، شعله‌های مبارزه با استعمار را بر فروغ-ترو سوزنده تر سازد.

دشمن می‌دانست، آئین آسمانی اسلام، برخلاف دیگر مذاهب تحریف شده و دیگر گون گشته، مکتبی است جامع و همانگونه که به امور اخروی و معنوی ملت‌ها توجه دارد به امور دنیائی و مسایل سیاسی-اجتماعی آنان نیز نظر دوخته است، و هم می‌دانست که همین پیوستگی و ارتباط محکم بین دو بعد اسلامی یعنی بعد مادی و بعد معنوی، آنچه‌آن ویژگی و موقعیتی به رهبران روحانی اسلام داده و می‌دهد که در هیچگاه پیوند آنان با مردم مسلمان گسسته نخواهد شد.

تزوجدالی دین از سیاست از کجا سرچشمه گرفت

بیاد آوریم روزگاری که استعمارگران جهان‌خوار با فریب و حيله، ملل اسلامی را در خوابی گران فرو برده و با تبلیغات طولانی و فریب‌های مردم مسلمان را از صحنه سیاست و حق حاکمیت بر سر نوشت خویش دور نگهداشته بود.

روزگاری که مردم، آگاهی چندانی نداشته و امواج توفنده تبلیغات زهر آگین دشمن، دائر بر این که دیانت از سیاست جدیست، آنان را در نظارت بر امور حیاتی سیاسی - اجتماعی خویش بی تفاوت ساخته، مبارزه یک انسان بیدار و مسؤول، بسیار سنگین و دشوار می‌نماید.

مرحوم آية الله سید حسن مدرس، روحانی بزرگوار و مبارزی است که در چنین دوره

مرحوم آية الله سيد حسن مدرس که مبارز با مظاهر شرک و بت پرستی را از اجداد بزرگوارش به ارث برده بود، لحظه ای در ناپودی آن مظاهر از پای نمی نشست، تاریخ زندگی این روحانی بزرگ نشان می دهد که او هرگز از صحنه سیاست و میدان مبارزه بیرون نرفت، بلکه پیوسته به نفع اسلام و حق حاکمیت امت مسلمان حتی در شرائط سخت و دشوار نیز جنگید و به راه خود ادامه داد.

یکی از نمونه های مبارزه او که بر تارک حیات اجتماعی و سیاسی او می درخشد مخالفتی بود که مرحوم مدرس با قرارداد منحوس ۱۹۱۹ میلادی ابراز کرد. (۱) این قرارداد داد که پس از جنگ جهانی اول، تحت عنوان تکامل مملکت و آبادی آن دست استعمارگران به ویژه انگلیسی ها را برای مداخله در امور مملکت ایران بازمی گذاشت مورد خشم شدید مدرس و مابه نفرت عجم مردم مسلمان این کشور قرار گرفت.

پس از این قرار داد بود که انگلستان تسلط و فشار جهانی خود را بر ملت و مملکت ما روز افزون کرد. در شرائط و اوضاعی که کابوس وحشت و خفقان بر سر توده ها سایه افکنده بود و ملت در حاله ای از بیم و وحشت بسر می برد ناگهان جرعه ای زدکه نور امید، دل های ظلمت زده از یأس و نومیدی

از اینرو جهانفواران خود پرست که دشمنان سرسخت اسلام هستند سعی شان بر این بود تا مکتب آسمانی اسلام را از بعد حرکت آفرین و تمهید پرور آن یعنی اهتمام به امور حیاتی و توجه به مسایل سر نوشت ساز جامعه جدا کنند. بدین منظور با کمک ابادی داخلی خویش در مسائل اسلامی اینگونه وانمود کردند که این رادر قلمرو سیاست مداخله دادن برخلاف مقتضای مذهب است و سیاست و دین دو چیز جدای از هم هستند.

مبارز شترک یعنی مدرس بزرگ که از تأثیر این تبلیغ زهر آگین بی خبر نبود تا طمانه بر آن شد تا برده این بند را در فرصت لازم بدرد. لذا از آغاز مبارزات و تلاش های اجتماعی خویش این اصل اسلامی را مکرر گوشزد می بردم کرد که: «دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ما...» (۱)

بدینگونه مرحوم سید حسن مدرس به تمام مسلمانان ایران و جهان تفهیم کرد که از نظر دیانت مقدس اسلام، مردم موطنند در تعیین سر نوشت خویش مداخله مستقیم کنند و اجازه ندهند بیگانگان و دشمنان اسلام، حق حاکمیت ملل اسلامی را زبرها بگذارند.

مخالفت مدرس بایک قرارداد استعماری

(۱) مولعیت ایران و نقش مدرس ج ۱ ص ۱۲۵

(۱) برای اطلاع نگاه کنید به کتاب مولعیت ایران و نقش مدرس ص ۱۲۸ تا ۱۳۱

را روشن و امیدوار ساخت .

این بارقه امید، از مخالفت مرحوم مدرس با قرارداد منحوس ۱۹۱۹ پدید آمد . این پیر پیکارگر که به عمق جنایت و سلطه جوئی استعمارگران پی برده بود با صراحت و قاطعیت و بدون کمترین ترس و اضطراب ، فریاد مخالفت برآورد و مردم غافل و بی تفاوت را به درک تعهدات انسانی و احساس مسئولیتهای اسلامی شان واداشت .

خود مرحوم مدرس در این باره می گوید: مردم کمال هفت را داشتند که این قرارداد منحوس چیست ، الانادری و لیلی که از جمله (خود حضرات آقایان می دانند) بنده بودم که در همان ساعت که قرار داد منتشر شد با آن مخالف شدم تا امروز بالاخره خداوند توفیقی به ملت ایران داد . . .

باز در جای دیگر در بیان ضرر و ضربه ای که این قرار داد به استقلال مملکت و اصالت دیانت اسلام وارد می کرد می گوید: «قرار داد منحوس که یک سیاست مضر به دیانت اسلام، مضر به سیاست بیطرفی ما بود ... کابینه و ثوق الدوله خواست ایران را رنگ بدهد، اظهار تمایل به دولت انگلیس کرد برضد او ملت ایران قیام نمود حال هم هر کس تمایلی به سیاستی نمایم یعنی ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود. چهرنگ شمال شمال باشد چهرنگ جنوب و چهرنگ آخر دنیا ...» (۱)

بیگمان تا آن زمان هیچکس به اندازه مدرس در آگاه کردن مردم نکوشیده بود. عظمت مبارزه ای که مدرس دست در آن داشت وی را ناگزیر می کرد در آگاهی - سیاسی اجتماعی مردم هر چه بیشتر بکوشد. او هیچ فرصتی را برای این کار از دست نمی داد و بی هیچ تردید این قسمت از فعالیتهای او از بزرگترین خدماتش به مردم این کشور است. وقتی در مبارزه برضد قرارداد ۱۹۱۹ پیروز شد چنانکه خود ضمن جمله «تا بالاخره خداوند توفیقی به ملت ایران داد» بدان اشاره کرد به میزان اهمیت و ارزش آگاهی مردم چنانکه باید پی برد و پیوسته می کوشید تا مردم نیز به تأثیر آگاهی خویش در تسریع به ثمر رساندن مبارزات باور کنند .

سرسختی و مقاومت مکتبی مدرس

ایر مردم مبارزه مرحوم آیه الله سید حسن مدرس، در تداوم نهضت و استمرار انقلاب با همه مشکلات و دشواریها که داشت ، لحظه ای درنگ نکرد و از خود نومییدی و خستگی نشان نداد .

دشمنان اسلام می کوشیدند تا او را از طریق تهدید و ارعاب ، خاموش و ساکت سازند، بلکه بتوانند به هدفهای استعماری خویش نائل گردند . بدینجهت ، تصمیم گرفتند تا او را ترور نموده برای همیشه از

(۱) بازیگران عصر طلایی ص ۱۴۳ - ۱۴۴

«کشتی گرفتن يك سید پیر مرد
لاغر به تنهایی ، با يك رئیس دولت
سینه فراخ و قمه کشی مثل سردار
سپه که چهل هزار سرنیزه در پشت
سردارد و تمام وسایل و قوای دولت
ایران در اختیارش است و پشتیبانی
مالک کروبین نیز شاملش می باشد
و عده ای تروریست و آدم کش هم در
نظمیه (یعنی در محل حافظان جان
ومال و ناموس مردم) ذخیره دارد
و غیره و غیره ... واقعاً زهره شیر
و شهامت رستم می خواهد .

مدرس در مقابل تمام این تجهیزات فقط
زبان سرخ داشت که مثل شمشیر استاد «اسکریم»
دائم با مهارت و چابکی می جنبد ، و يك
پیراهن کرباس ، که سپر سینه لاغر و سیاهش
شده بود ...

ولی چنانکه گفته اند «کسیکه از مرگ
ترسد روئین تن است» مدرس واقعا روئین تن
بود ... (۲)

زحمت مخالفتش در امان باشند بر این اساس
بود که روزی به مرجع مبارز مدرس بزرگ
به قصد تزور، شلیک کردند . «در بیمارستان
نظمیه، اول حرفی که مدرس به مردم زد این
بود که مطمئن باشیم من از این تیر نخواهم
مرد. زیرا موتم هنوز نرسیده .

بجای اینکه دیگران به او قوت قلب بدهند
او با بدن سوراخ سوراخش به دیگران قوت
قلب می داد» (۱)

رضاخان سردار سپه! دست نشانده استعمار
انگلیس با ترور و خفه کردن مداهاد در حلقوم
وحشتی پدید آورده بود که هیچکس را جرأت
مخالفت با او نبود، رضاخان، قلمی نشکسته
و زبانی نبریده بر جان گذاشته بود. از در و دیوار
بیم و نومیدی می بارید ، مدرس در چنین
فضای خفقان با سرسختی و مقاومت تمام و
بادلی پرازمید و نشاط به مبارزه خود ادامه
می داد نویسنده ای که در نیت خیر او بسیار
تردید وجود دارد در این زمینه نکات جالبی
دارد که اینک می بینید :

(۱) بازیگران عصر طلائی ص ۳۲۵

(۲) بازیگران عصر طلائی ص ۲۶۲ و ۲۶۶

آتش خشم

الْقَضْبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلْ ، أَلْعَسَل :

خشم ، ایمان را تباه می کند چنانکه سرکه ، طعم شیرین عسل را از

بین می برد .

از سخنان امام صادق (ع)

